

The Relationship Between “Wilāya of the Ahl al-Bayt (a)” and “Worships” in the Heritage of Shi’i Narration¹

Research Article

Emamatpajouhi,
Eleventh year, vol. 2
Autumn & winter 2021
DOI:10.22034/
jep.2022.315835.1374
jep.emamat.ir



Fatemeh Mansouri Motlagh² / Maryam Haji Abdolbaghi³ /
Tayebeh Akbari Rad⁴

Abstract:

The Wilāya of the Ahl al-Bayt (a) has been introduced as one of the most important religious teachings in the Shi’i heritage. Worship rituals are also of special importance in the divine religions; these are not of course of equal importance. The abundance of worship rituals performed by some of the enemies of the Ahl al-Bayt (a) and the lack of concern of some Shi’is for these rituals raises the question as to which of these two groups has a better status before God. This article endeavors to prove the relationship between the Wilāya of the Ahl al-Bayt (a) and worship rituals in Shi’i heritage using a descriptive-analytical method. The main finding of this article is that in many Shi’i and Sunni writings it is stated that if a person’s worships and deeds do not pass through the medium of the Wilāya of the infallible Ahl al-Bayt (a) and their command, they are fruitless. Divine torment and humiliation will befall such a worshiper. On the other hand, if a person accepts the Wilāya of the guardians of God, but commits a sin due to his desires, God Almighty, through his acceptance of Wilāya, guides him to the light of repentance and forgiveness, and ultimately, he will be saved.

Keywords: Narrative heritage, The reality of religiosity, Wilāya of the Ahl al-Bayt (a), Worship rituals

1. Date of receipt: 19/11/2021, Date of acceptance: 14/06/2022.

2. PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (responsible author). fa_mansouri@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. m_abdoolbaghi@iau-tnb.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. akbarirad123@gmail.com

العلاقة بين ولاية أهل البيت عليهم السلام والعبادات في التراث الروائي الشيعي^١

فاطمة منصورى مطلق^٢ / مريم حاجي عبد الباقي^٣ / طيبة أكبرى راد^٤

مقالة محكمة

امامت پژوهشى
السنة الحادية عشرة
العدد الثاني، الخريف
والشتاء سنة ٢٠٢١

jep.emamat.ir



الخلاصة

اعتبرت ولاية أهل البيت عليهم السلام من أهم المسائل الدينية في التراث الشيعي، وعلى الجانب الآخر تحظى المناسك العبادية بأهمية كبيرة في الأديان الإلهية أيضاً، لكن هذين الموضوعين لا يتكافآن في الأهمية. ثم إن كثرة إتيان بعض أعداء أهل البيت عليهم السلام لهذه المناسك من جهة وعدم اهتمام بعض الشيعة بها من جهة أخرى، تثير التساؤل التالي: أيهما أرفع قدراً وأكثر أهمية عند الله تعالى؟ نحاول في هذه المقالة إثبات طبيعة الارتباط بين ولاية أهل البيت عليهم السلام والمناسك العبادية في التراث الشيعي اعتماداً على المنهج الوصفي التحليلي، وقد خلصنا إلى وجود مدونات كثيرة لدى الشيعة وأهل السنة تفيد بأنه لا طائل من عبادة الإنسان وأعماله إن لم تعبر من قناة ولاية أهل البيت المعصومين عليهم السلام ولم تكن بأمر منهم، فلا يجني هذا العابد سوى العذاب والخذلان الإلهي. وفي المقابل، إذا التزم الإنسان بموالاتة أولياء الله ثم ارتكب معصية نتيجة الأهواء النفسية، فسيهديه الله تعالى بواسطة الولاية إلى طريق التوبة والمغفرة، ويكون في نهاية المطاف من المفلحين.

الكلمات المفتاحية: التراث الروائي، حقيقة التدين، ولاية أهل البيت عليهم السلام، المناسك العبادية.

١. تاريخ الاستلام: ٢٠٢١/١١/١٩ م. تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٦/١٤ م.

٢. طالبة دكتوراه في الجامعة الإسلامية الحرة شمال طهران، قسم علوم القرآن والحديث، طهران، إيران (الباحثة المسؤولة). fa_mansouri@yahoo.com

٣. أستاذة مساعدة في الجامعة الإسلامية الحرة شمال طهران، قسم علوم القرآن والحديث، طهران، إيران. m_abdoolbaghi@iau-tnb.ac.ir

٤. أستاذة مساعدة في الجامعة الإسلامية الحرة شمال طهران، قسم علوم القرآن والحديث، طهران، إيران. akbarirad123@gmail.com

چگونگی رابطه «ولایت اهل بیت علیهم السلام» و «عبادات» در تراث روایی شیعی*

فاطمه منصوری مطلق^۱/ مریم حاجی عبدالباقی^۲/ طیبه اکبری راد^۳

چکیده

ولایت اهل بیت علیهم السلام به عنوان یکی از مهم ترین آموزه های دینی در تراث شیعی معرفی شده است. مناسک عبادی نیز از اهمیت ویژه ای در ادیان الهی برخوردار می باشند؛ البته این دو از اهمیتی برابر برخوردار نیستند. کثرت اتیان مناسک عبادی توسط برخی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و عدم اهتمام برخی از شیعیان به این مناسک، این پرسش را مطرح می کند که کدام یک از این دو گروه، جایگاه بهتری نزد خداوند دارند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در صدد اثبات رابطه ولایت اهل بیت علیهم السلام و مناسک عبادی در تراث شیعی می باشد. یافته اصلی این مقاله این است که در بسیاری از مکتوبات شیعه و سنی آمده است که عبادت و اعمال انسان، اگر از دالان ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عبور نکند و با امرایشان نباشد، بیهوده و بی ثمر است و در قبال آن، عذاب و خذلان الهی نصیب چنین عابدی خواهد شد. در مقابل، اگر فردی ولایت اولیای خدا را بپذیرد، ولی از روی هوای نفس مرتکب گناهی شود، خداوند متعال به واسطه ولایتش، او را به نور توبه و مغفرت هدایت می کند و در نهایت، رستگار می شود.

کلیدواژه ها: تراث روایی، حقیقت دینداری، ولایت اهل بیت علیهم السلام، مناسک عبادی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول). fa_mansouri@yahoo.com

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. m_abdoolbaghi@iau-tnb.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. akbarirad123@gmail.com

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی
امامت پژوهی، سال یازدهم
شماره دوم، شماره پیاپی ۳
پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صفحه ۱۳۱ - ۱۳۸
jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2022.315835.1374



copyright © the authors

مقدمه

ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، به عنوان فصل مقوم و رکن دین معرفی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در مناسبت های مختلفی از حیات مبارک خویش، بر این امر تأکید ورزیده و اهمیت آن را در تشکیلات دینی گوشزد کرده اند. آموزه ولایت و مسائل پیرامون آن، حجم انبوهی از مکتوبات تراش شیعی را به خود اختصاص داده است. اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیز به عنوان شاخصان قویم دینداری معرفی شده و دالان عبودیت و اطاعت خداوند خوانده شده اند و اطاعت و عصیان آنان، همان اطاعت و عصیان خداوند متعال قلمداد شده است.^۱ این مسئله به حدی در پیشگاه خداوند مهم بوده که از آغاز خلقت، تمامی رسولان الهی خویش را ملتزم و متعهد نسبت به ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کرده است.^۲ البته دستگاه سقیفه از جریان دریای بی کران ولایت جلوگیری کرده و مردم را میهمان آب های اندک و آلوده کرده است که اثر آن تا قرون حاضر مشاهده می شود.^۳ بدون شک، مسیر رستگاری جهانیان در پیروی از ولایت اهل بیت علیهم السلام و تمسک به ریسمان وثیق الهی می باشد.^۴

این مقاله در صدد نشان دادن جایگاه ولایت و رابطه آن با اعمال و عبادات انسان می باشد و با تکیه بر نصوص روایی، این رابطه را نشان خواهد داد. در ادامه بعد از اثبات باطن و حقیقت بودن ولایت برای دینداری، بیان می شود که ولایت، دلیل و مفتاح عبادات می باشد. سپس به عدم قبولی عباداتی که از امر امام عادل منصوب از طرف خداوند نشئت نگیرد، می پردازیم.

۱. پیشینه

پیوند ولایت و عبادت از مسائلی است که برخلاف شهرت بسیارش، از قلم مقاله نویسان

۱. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۵۸/۲.

۲. طبری آملی، محمد بن علی، بشارة المصطفی، ص ۲۰۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲۲۲/۱.

۴. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ۹/۱.

و پژوهشگران مغفول مانده است. مقالات بسیاری از زوایای مختلف به مسئله ولایت پرداخته‌اند، ولی در هیچ‌کدام از آنها این مبحث به صورت مستوفا و منظم از تراش روایی شیعی کاویده نشده و فقط به گوشه‌ای از معارف روایی اشاره شده و استحسان‌های بی‌موردی از متن روایات استخراج شده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به مقالات «ولایت ائمه علیهم‌السلام روح عبادات» از قادر سعادت، چاپ شده در شماره ۱۴۳ مجله مبلغان، «رابطه توحید و ولایت در آیات و روایات» از قاسم جوادی، چاپ شده در شماره ۸ مجله حدیث حوزه و «میان پذیرش عبادات با اعتقاد به امامت و ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام چه پیوندی وجود دارد؟» نوشته سیدجواد حسینی، چاپ شده در شماره ۵ مجله صباح اشاره کرد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. ولایت

ولایت از ماده «ولی» است. این واژه به معنای «نصرت» و «تولی امر» آمده است. البته حقیقت این واژه، «تولی امر و سرپرستی» است.^۱ ابن اثیر می‌نویسد: «ولی، یعنی یاور... و هرکس امری را بر عهده گیرد، مولی و ولی آن است». سپس بیان می‌دارد:

و از همین قبیل است حدیث «من كنت مولاة فعلي مولاة»... و سخن عمر که به علی علیه‌السلام گفت: «تو مولای هر مؤمنی شدی»، یعنی «ولی مؤمنان گشتی».

نیز وی متذکر می‌شود که «والی» اسم ذات مقدس خداوند است و او مالک تمام اشیا می‌باشد و حق تصرف در تمام اشیا را دارد. وقتی می‌گویند: فلانی «ولی» است یا «ولایت» دارد، مشعر به این مطلب می‌باشد که او انسان مدبر و توانمندی است.^۲ ابن منظور می‌نویسد:

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۴۰۹/۱۵؛ راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ص ۸۸۵.

۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية، ۲۲۶/۵-۲۲۸.

ولیی یتیم کسی است که متولی امر یتیم است و تمام آن چه مرتبط به یتیم می باشد را انجام می دهد؛ ولی دختر، آن کسی است که متولی عقد ازدواج دختر است و او را رها نمی کند تا با هرکسی ازدواج کند.^۱ ابن فارس نیز می نویسد: «... هرکس زمام امر دیگری را به عهده گیرد، "ولیی" او است».^۲

برخی از مفسران با نفی معنای «نصرت و یاری» از واژه ولایت، معنای سرپرستی و مالکیت تدبیر را معنای عمومی این واژه دانسته اند که در تمامی مشتقات آن جریان دارد؛ بدین بیان که ولایت عبارت است از یک نوع قرب و نزدیکی ای که موجب نوع خاصی از حق تصرف و مالکیت تدبیر می شود.^۳

منظور از ولایت در تحقیق حاضر، تبیین شیعی از ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشد که حکایت از اشراب معنای «تولی امر و سرپرستی» در معانی مختلف «ولیی» دارد.^۴

۲-۲. عبادت

عبادت در لغت به معنای اطاعت خاضعانه و خاشعانه و نهایت خضوع و فروتنی ترجمه شده است.^۵ لذا فقط خداوند متعال، که نهایت کمال و فضیلت را دارا است، استحقاق و شایستگی این نوع تذلل را دارد.^۶ برخی نیز عبادت را به حالتی در وجود انسان معنا کرده اند که وی همواره خود را نیازمند حقیقتی که او را آفریده است ببیند.^۷ علامه طباطبایی حقیقت عبادت را این می داند که بنده، خود را در مقام ذلت و عبودیت قرار داده و از همه چیز بریده باشد و پروردگار

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، همان، ۴۰۶/۱۵.
۲. ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللغة، ۱۴۱/۶.
۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۳۱۷/۱۳ و ۱۲/۶.
۴. برای مطالعه در تبیین معنای شیعی، به کتاب محققانه «بحوث حول الامامة في معنی الامام والولي» شیخ محمدرضا جعفری مراجعه شود.
۵. ابن فارس، احمد، همان، ص ۲۰۵؛ فیومی، احمد، مصباح المنیر، ۳۸۹/۲.
۶. راغب اصفهانی، حسین، همان، ص ۵۴۲.
۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۱۹۵/۲۱.

خود را یاد کند.^۱ میل به خدمت و تقدیس موجودی برتر که مستحق این خدمت و تقدیس باشد نیز به عنوان حقیقت عبادت بیان شده است.^۲

عبادت در اصطلاح قرآنی معنایی عام دارد و بسیاری از رفتارهای انسان را، اگرچه پیروی از شیطان و هوای نفس باشد، در برمی گیرد. بر اساس آیات قرآن، مفهوم عبادت شامل عبادت دیگرانسانها،^۳ عبادت هوای نفس،^۴ عبادت شیطان،^۵ عبادت بت‌ها^۶ و عبادت خداوند^۷ می شود.

مفهوم عبادت در علم فقه برخلاف کاربرد عام قرآنی آن، فقط بر اعمال و مناسکی که با شرط قصد قربت انجام شود، اطلاق می گردد و از آنها به احکام تعبدی نام برده شده است.^۸

مفهوم عبادت در عرف مردم در ضمن بعضی از مصادیق آن مانند نماز، روزه، حج، دعا و تسبیح شناخته می شود که از معنای قرآنی و فقهی آن محدودتر است. عبادت در تحقیق حاضر شامل اعمال جوارحی (مانند مناسک و اعمال ظاهری) و اعمال قلبی مانند (اعتقاد به توحید و...) می شود.

۳. رابطه ولایت اهل بیت علیهم السلام و عبادات

۳-۱. ولایت، باطن و حقیقت دینداری و عبودیت

امامت با همه معارف دینی که در رأس آنها توحید قرار دارد، ارتباط بنیادین دارد؛ زیرا ولایت و امامت، فصل مقوم دین است و تحقق دین بدون ولایت، امکان پذیر نمی باشد.

۱. طباطبایی، محمدحسین، همان، ۳۸۸/۱۸.

۲. مطهری، مرتضی، یادداشت‌ها، ۱۶۰/۶.

۳. توبه: ۳۱؛ یونس: ۲۸-۲۹.

۴. طه: ۴۳.

۵. مریم: ۴۴.

۶. عنکبوت: ۱۷، ۲۵.

۷. زمر: ۱۱؛ اسراء: ۲۳؛ هود: ۲.

۸. قمی، ابوالقاسم، جامع الشتات، ۱۷۶/۱.

اهمیت ولایت اهل بیت علیهم السلام به گونه ای است که در روایات آمده است، رسیدن به مقام نبوت، به واسطه معرفت نسبت به حق اهل بیت علیهم السلام و فضل آنان بردیگران بوده است.^۱ در روایتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیان می کند که در شب معراج، فرشته ای نزد وی آمد و عرض کرد که از رسولان قبل از خودت سؤال بپرس! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از پیامبران قبل از خویش پرسید که بر چه چیزی مبعوث شده اید؟ همه پاسخ دادند، برولایت شما و علی بن ابی طالب علیه السلام.^۲

مرحوم کلینی در باب «دعائم الاسلام» کتاب کافی شریف نقل نموده است که امام باقر علیه السلام بیان می کند، اسلام بر پنج چیز بنا شده است و ارکان و مقومات اسلام، این پنج چیز می باشد: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. امام علیه السلام در ادامه بیان می دارد که برای هیچ چیزی به مانند ولایت ندا زده نشده و تأکید نشده است.^۳ با وجود این، خداوند متعال با شرایط خاصی در چهار مورد دیگر ترخیص داده است، ولی به هیچ وجه نسبت به ولایت ترخیصی داده نشده است.^۴ در این روایت، چه اسلام را به معنای شهادتین لحاظ کنیم و چه به معنای ایمان (چنان که برخی از محدثین مانند مرحوم مجلسی هر دو احتمال را بیان کرده اند^۵)، نقش ولایت در تحقق آن و قوام آن روشن و مشهود می باشد.

روایات بسیاری بیانگر این مطلب است که اهل بیت علیهم السلام حقیقت عبادت و باطن آن می باشند. در برخی از روایات، اقامه نماز را همان اقامه ولایت اهل بیت علیهم السلام قلمداد کرده اند.^۶ هم چنین در روایات فراوانی آمده است که اهل بیت علیهم السلام اول، ریشه، فرع، معدن، مأوا و منتهای تمام خوبی ها هستند.^۷ در گزارشی که ابن مسکان

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۱/۷۵.

۲. جوهری، احمد، مقتضب الأثر، ص ۳۸.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲/۱۸.

۴. همان، ۲/۲۲.

۵. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، ۷/۱۰۰.

۶. همو، بحار الانوار، ۲۶/۲.

۷. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۲/۶۱۶.

از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، آمده است که ایشان فرموده است، ما اهل بیت ریشه هر خوبی ای هستیم و همه نیکی‌ها از فروع ما هستند. حضرت در ادامه می‌فرماید که دشمنان ما ریشه همه زشتی‌ها می‌باشند و همه زشتی‌ها از فروع آنان می‌باشند.^۱ علامه مجلسی در تبیین این روایت آورده است که تمامی خوبی‌ها و طاعات از طرف اهل بیت علیهم السلام به خلق می‌رسد و شخص با تخلق و تحلی به فروع (خوبی‌ها)، به اصل (اهل بیت علیهم السلام) خواهد رسید؛^۲ البته مشروط بر این‌که شخص، اصل ولایت معصومین علیهم السلام را قبول داشته باشد. علامه مجلسی در بحار الانوار بابی را آورده‌اند که بیانگر این مطلب می‌باشد که همه اوصاف حمیده، از فروع ولایت اهل بیت علیهم السلام هستند و گناهان و پلیدی‌ها، از فروع ولایت دشمنان ایشان می‌باشند.^{۳-۴}

شناخت خداوند متعال، اولین قدم برای عبودیت و بندگی کردن است. اهمیت معرفت و شناخت خداوند به حدی است که در برخی از روایات، رسیدن به این مقام و منزل، به عنوان هدف خلقت معرفی شده است. عبودیت نیز که در قرآن^۵ هدف غایی خلقت معرفی شده است، محصول این معرفت می‌باشد. بدون تردید، این شناخت، شناخت بسیط اولیه‌ای که با برهان یا برای اتمام حجت رخ می‌دهد، نیست. این معرفت، در روایات وارد شده در تفسیر آیه ۵۶ سوره ذاریات و دیگر روایات تراث شیعی، به خوبی تبیین شده است. در روایتی از وجود مقدس امام حسین علیه السلام آمده است که یکی از اصحاب ایشان، از معرفت خدا و

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲۴۲/۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ۲۰۶/۲۶.

۳. توجه به این مطلب بسیار مهم می‌باشد که هیچ شیعه‌ای نباید با حسن اختیار خویش مرتکب گناهی شود. البته مواردی که هوای نفس غلبه می‌کند، از این بحث خارج می‌باشند، ولی اگر گناه را دوست داشته باشد، در فروع متمسک به ولایت طاغوت شده است و این، با تمسک وی به ولایت اهل بیت علیهم السلام ناسازگار است.

۴. مجلسی، محمدباقر، همان، ۲۸۶/۲۴، باب أنهم الصلاة والزكاة والحج والصيام و سائر الطاعات و أعداؤهم الفواحش والمعاصي في بطن القرآن.

۵. ذاریات: ۵۶: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾.

چیستی آن پرسش نمود. امام علیه السلام معرفت خداوند را به معرفت و شناخت امام زمان مفترض الطاعه تفسیر کرده‌اند و بیان داشته‌اند که این شناخت، راه‌هایی از شرک و عبادت غیرخداوند است.^۱ شیخ صدوق در تفسیر این روایت بیان می‌دارد که اگر شخصی بدون اتمام حجت از طرف امام معصوم، عبادتی انجام دهد، غیرخداوند را عبادت کرده است.^۲

در تأیید این مطلب روایتی از امام باقر علیه السلام وارد شده است که ایشان معرفت خداوند و امام را قرین یکدیگر معرفی کرده و عدم هر کدام از این‌دو را، ملازم با گمراهی و عبادت غیرخداوند دانسته است.^۳

البته منظور از معرفت امام نیز، شناخت ظاهری وی نمی‌باشد؛ بلکه معرفت به مقام نورانیت او می‌باشد. این معرفت، موجب کامل شدن ایمان و ممتحن شدن مؤمن برای حمل ولایت ولی خدا می‌شود.^۴

توحید که به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول اعتقادی شناخته می‌شود، پیوند عمیقی با ولایت دارد. در روایتی که از امام باقر علیه السلام ذیل آیه «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۵ وارد شده است، حدّ و مرز توحید علاوه بر یگانگی خداوند، تا رسالت پیامبر و ولایت امیرالمؤمنین قلمداد شده است.^۶ در روایت دیگری که ابوبصیر از آن حضرت نقل می‌کند، ولایت به عنوان همان دین حنیف مذکور در قرآن معرفی شده است.^۷

در حدیث مشهور و نورانی موسوم به «سلسله الذهب»، امام رضا علیه السلام امام و

۱. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ۹/۱.

۲. همان.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱۸۱/۱.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۱/۲۶.

۵. روم: ۳۰.

۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۱۵۵/۲.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۴۱۹/۱.

امامت را از شروط کلمه توحید برمی شمرد.^۱ شکی نیست که با عدم تحقق شرط، مشروطی در کار نخواهد بود و بدون ولایت و امامت، بساط توحید و یکتاپرستی برچیده خواهد شد.

یکی از ارکان اصلی دینداری و بندگی کردن، سلوک و پیمودن مسیر، مطابق دستورات خداوند متعال می باشد. ورود به عرصه دینداری باید از باب اهل بیت علیهم السلام باشد؛ چراکه ایشان ابواب خداوند متعال می باشند. «باب الله» بودن اهل بیت عصمت و طهارت، در تراث پیشینیان به خوبی تبیین شده است. در روایتی که مرحوم صفار ذیل آیه ﴿وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^۲ ذکر کرده، بیان شده است که محمد و آل محمد علیهم السلام ابواب مذکور در آیه می باشند.^۳ در روایت دیگری امام صادق علیه السلام بیان می کند که خداوند متعال، ما اهل بیت را باب و صراط و سبیل به خودش قرار داد. آن حضرت در ادامه، منحرفین از ولایت اهل بیت را مصداق آیه ﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كَبُونٌ﴾^۴ معرفی می کند. در بیان نورانی دیگری آمده است که وارد شدن به حریم دین از طریق ابواب خداوند، هدایت و رستگاری را به ارمان می آورد و در غیر این صورت، سلوک دیندارانه، سلوکی هالکانه می باشد.^۵ عبادت و عبودیت از غیر طریق مورد رضای خداوند، ریشه در تفکری شیطانی دارد و اولین شخصی که مرشد به این نوع عبادت بوده، ابلیس بوده است. در روایتی امام صادق علیه السلام بیان می دارد که شیطان از خداوند تقاضای معاف شدن از سجده بر آدم را می کند تا در قبال آن، عبادتی به جا آورد که هیچ ملک مقرب و نبی مرسلی انجام نداده است. خداوند متعال در پاسخ او بیان می دارد که مرا نیازی به عبادت تو نیست و همانا می خواهم چنان مرا عبادت کنی که خودم می خواهم،

۱. صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۳۷۱.

۲. بقره: ۱۸۹.

۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۹۹/۱.

۴. مؤمنون: ۷۴.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۸۲/۱.

نه آن چنان که تومی خواهی.^۱ در اصل می توان گفت، عبادتی که دارای امر از طرف خداوند نباشد، تخصصاً از مفهوم عبادت خارج می باشد و با عبودیت بیگانه خواهد بود. باید به این نکته توجه داشت که امر خداوند، از طریق حجج الهی به مردم می رسد و این مطلب، در روایاتی که اهل بیت علیهم السلام را «باب الله» معرفی می کند، به خوبی مشهود می باشد.^۲

آن چه از خلال دیگر روایات مشهود و مشخص می باشد این است که نه تنها خداوند ثوابی در قبال عبودیت مبغضین اهل بیت علیهم السلام و غیر شیعیان نمی دهد، بلکه عبادت آنها عذاب الهی را در پی دارد و در نگاه خداوند، بسیار ناپسند شمرده می شود. در روایت صریحی امام باقر علیه السلام بیان می دارد که خداوند متعال فرموده است، هر کسی را که با پیروی از امام ستمگری که از جانب خدا نیست دینداری کند، عذاب می کنم، حتی اگر آن شخص، نیکوکار و پارسا باشد، و از هر کسی که با پیروی از امام عادل از جانب خدا دینداری کند، درمی گذرم، اگرچه آن شخص نسبت به خودش ستمگر و بدکردار باشد.^۳

در روایت مشابه دیگری که عبدالله بن سنان از طریق امام صادق علیه السلام نقل می کند آمده است که خداوند متعال از عذاب امتی که به واسطه امامی که از جانب خدا نیست دینداری کنند، دریغ نمی کند، اگرچه نیکوکار و پارسا باشند، و از عذاب امتی که دینداری شان به واسطه امام از جانب خدا باشد، شرم می کند، اگرچه نسبت به خود ستمگر و بدکردار باشند.^۴

در گزارش دیگری که محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند آمده است، کسی که به واسطه عبادتی مجاهدانه تدین بورزد، ولی امامی از طرف خداوند برای خودش نگرفته باشد، سعی و تلاشش بیهوده است و در گمراهی و سرگردانی

۱. قمی، علی بن ابراهیم، همان، ۴۲/۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۹۷/۱.

۳. برقی، احمد بن محمد، محاسن، ۹۴/۱.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۳۷۶/۱.

می‌باشد و خداوند متعال کردار او را ناپسند می‌شمرد و اگر در این حال بمیرد، مرگ کفر و نفاق نصیبش خواهد شد. چنین شخصی به گوسفند سرگردانی تشبیه شده است که از گله خود جدا شده است و عاقبت، خوراک گرگان درنده می‌شود.^۱ در روایت دیگری که مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، چنین شخصی، به خاطر اتیان عبادت از غیربایی که خداوند گشوده است، مشرک می‌باشد.^۲

برخی از روایات نیز معرفت امامت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را به عنوان فارق اصلی اسلام و ایمان معرفی کرده است و ایمان را ملازم با معرفت به امامت دانسته است و اسلام را همان ظاهر مناسک برشمرده است.^۳

روایات بسیاری در باب اهمیت معرفت امام و پیوند آن با اعمال و عاقبت انسان وارد شده است که تفصیل آن از حوصله و مجال این نوشتار خارج می‌باشد؛ به عنوان نمونه برای تفصیل بیشتر این روایات به اصول کافی، «باب من مات و لیس له إمام من أئمة الهدی»^۴ و شروح مرتبط با آن مراجعه شود.

۳-۲. ولایت اهل بیت علیهم السلام، دلیل و راهنمای عبادات

در میان تراث شیعی روایاتی آمده است که بیان می‌دارد، ولایت اهل بیت یا خود اهل بیت علیهم السلام، دلیل و راهنمای عبادات و عبودیت می‌باشند. در برخی از روایات نیز، ولایت ایشان مفتاح عبادات شمرده شده است. بدون شک برای ورود به هر کاری، نیاز به کلید و راهنما می‌باشد و این مطلب در این جا نیز جاری و ساری است.

در روایات موسوم به «دعائم الاسلام» بعد از ذکر اصول پنج‌گانه اسلام (نماز، زکات، حج، روزه و ولایت)، زراره از امام باقر علیه السلام سؤال کرد که کدام یک از این پنج مورد افضل و بالاتر می‌باشد؟ امام علیه السلام پاسخ دادند که ولایت افضل می‌باشد؛ زیرا

۱. همان، ۳۷۵/۱.

۲. همان، ۳۷۷/۱.

۳. همان، ۲۴/۲.

۴. همان، ۳۷۶/۱.

ولایت کلید و مفتاح آنها است و شخص والی، دلیل و راهنمای آنها می باشد.^۱ علامه مجلسی ذیل این روایت بیان می دارد که ولایت، کلیدی است که به واسطه آن شناخت، حقیقت، شرایط و آداب این امور گشوده می شود و کلید قبولی همه آنها نیز می باشد.^۲ در ادامه همین روایت حضرت بیان می کند که قلّه تشکیلات دینی و کلیدش و باب همه چیز و مایه خرسندی خدای رحمان، اطاعت از امام است. همانا اگر مردی تمام شبش را برای عبادت به پا خیزد و روزش را روزه بدارد و تمام اموالش را صدقه دهد و در تمام دوران عمرش به حج برود، اما ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، ثوابی نمی برد و از اهل ایمان نمی باشد.

مرحوم کلینی در فرازی از روایت بلند امام رضا علیه السلام در «بَابُ نَادِرِ جَامِعٍ فِي فَضْلِ الْإِمَامِ وَ صِفَاتِهِ» بیان می دارد که امام، آب گوارایی است در زمان تشنگی، و دلیل و راهنمای هدایت و نجات بخش از هلاکت می باشد.^۳

سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که همانا برای مردم هر دوره ای هدایتگر، دلیل و راهنمایی است که آنان را به قرآن و سنت پیامبرشان هدایت و دلالت می کند.^۴

دلیل بودن اهل بیت علیهم السلام و ولایت ایشان در روایاتی با مضامین مختلف آمده است که در این قسمت، به همین مقدار اکتفا می شود.

۳-۳. ولایت، شرط پذیرش عبادات

ولایت، در بسیاری از روایات صریح و آشکار، به عنوان شرط پذیرش و مقبول افتادن عبادات شمرده شده است. امام صادق علیه السلام در روایتی بیان می دارد که اگر شخصی به ولایت ما اقرار کند و سپس بمیرد، نماز و روزه و زکات و حجش قبول

۱. همان، ۱۸/۲.

۲. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ۱۰۲/۷.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲۰۰/۱.

۴. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ۸۸۵/۲.

می شود؛ ولی اگر بدون اقرار به ولایت ما در پیشگاه خداوند حاضر شود، هیچ کدام از اعمالش مقبول درگاه خداوند نمی افتد.^۱

در روایت دیگری حارث بن مغیره از کثرت حجاج در حج به امام صادق علیه السلام خبر می دهد. حضرت در پاسخ وی قسم می خورد و بیان می کند که حج فقط از شما قبول می شود.^۲ روایتی قریب به همین مضمون از امام باقر علیه السلام نقل شده است که ایشان حتی منکر کثیری بودن حجاج شده اند و بیان کرده اند که فقط حج شیعیان مقبول می افتد.^۳ روشن است که منظور حضرت، حجاج واقعی می باشد و نفی کثرت از حج گزاران ظاهری نکرده اند. بنابراین حضرت در این روایت، حج غیر شیعیان را حج نمی داند و آنها را تخصصاً از دایره حج گزاران خارج می داند. در گزارش دیگری که امام سجاد علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند آمده که حضرت فرموده است: سوگند به آنکه جان محمد در دست او است، اگر در روز قیامت بنده ای با عمل هفتاد پیامبر حاضر شود، خداوند آن را از او نپذیرد، مگر این که با ولایت من و اهل بیتم خدا را دیدار کند.^۴

محمد بن مسلم در گزارشی از یکی از صدیقین علیه السلام نقل می کند، از حضرت سؤال نمود که شخصی از مخالفین شما صاحب عبادت و تلاش و خشوع می باشد. آیا این اعمال نفعی به حال او می رساند؟ حضرت در پاسخ وی به داستان بنی اسرائیل اشاره کرده که هیچ یک از بنی اسرائیل نمی بود که چهل شب کوشش کند، جز اینکه پس از چهل شب، دعایش مستجاب می شد؛ ولی زمانی شد که یکی از آنها چهل شب کوشش کرد، ولی دعایش مستجاب نشد. پس سرّ این قضیه را از حضرت عیسی علیه السلام پرسید. بعد از نماز و دعای حضرت عیسی علیه السلام وحی آمد که این شخص، از بابی که منظور نظر ما بود، وارد نشده است و در حالی که نسبت

۱. صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۲۵۶.

۲. برقی، احمد بن محمد، محاسن، ۱/۱۶۷.

۳. طبری آملی، محمد بن علی، بشارة المصطفی، ص ۷۳.

۴. جمعی از اصحاب ائمه علیهم السلام، الاصول الستة عشر، ص ۱۱۸.

به توشک در قلبش وجود داشت، دعا کرده است. پس با این حال، اگر آنقدر مرا بخواند که گردنش قطع شود و انگشتانش بریزد، دعایش را اجابت نمی‌کنم. حضرت در ادامه بیان می‌دارد، هیچ عملی از بنده قبول نمی‌شود، درحالی‌که شک نسبت به ما اهل بیت دارد.^۱

در گزارشی تفسیری ذیل آیه «وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»^۲ امام باقر علیه السلام می‌فرماید که هیچ عملی مقبول درگاه خداوند واقع نمی‌شود، تا زمانی که به سوی من هدایت شود.^۳

گزارش دیگری ذیل آیه «وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا»^۴ آمده است که در آن، امام صادق علیه السلام مصداق «هَبَاءً مَّنْثُورًا» را اعمال مبغضین خود و شیعیان می‌داند.^۵

در گزارشی دیگر امام صادق علیه السلام بیان می‌دارد که اگر بنده‌ای صد سال بین رکن و مقام، خدا را عبادت کند، روزها را روزه بدارد و شب‌ها به عبادت برخیزد، تا آن‌گاه که به سبب پیروی، ابروانش بر دیدگانش فرو افتد و استخوان‌های ترقوه‌اش به هم برسد، ولی به حق ما ناآگاه باشد، پاداشی به او نمی‌رسد.^۶

در روایت مفصلی آمده است، عبدالله بن ابی‌یعفور می‌گوید که به امام صادق علیه السلام عرض کردم که من در بین مردم هستم و بسیار تعجب می‌کنم از مردمی که از شما پیروی نمی‌کنند و به دنبال فلان و فلان می‌روند، ولی امین و راستگو و باوفایند، و مردمی هستند که پیرو شمایند، ولی امانت و وفا و راستگویی آنها را ندارند. امام در پاسخ فرمود: هر که خدا را با پیروی از امام ستمگر تدین بورزد، دین ندارد و بر کسی که با پیروی از امام عادل از جانب خدا دینداری کند، سرزنشی نیست. سپس

۱. مفید، محمد بن محمد، امالی، ص ۳.

۲. طه: ۸۲.

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۶۱/۲.

۴. فرقان: ۲۳.

۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۲۶/۱.

۶. صدوق، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ص ۲۰۴.

امام آیه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۱ را تلاوت فرموده‌اند و بیان داشته‌اند که خداوند، شیعیان را به خاطر امام عادل، از ظلمات ذنوب به نور توبه و مغفرت هدایت می‌کند. در ادامه حضرت ادامه آیه را تلاوت فرمود: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُوهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ»^۲ و بیان داشت، مقصود از این آیه این است که آنها نور اسلام داشتند، ولی چون از هر امام ستمگری که از جانب خدا نبود پیروی کردند، از نور اسلام به ظلمات کفر گرائیدند.^۳ آن چه از این روایت و دیگر روایات مشخص می‌شود این است که ظلمات گناهان، از شئون ولایت اولیای طاغوت می‌باشد و خود گناه و فواحش، از فروع ولایت آنان می‌باشد.^۴

در گزارش دیگری میسر بن عبدالعزیز گوید که بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و عرض کردم، همسایه‌ای دارم که اهل نماز شب و تلاوت مکرر قرآن و گریه و ناله و تسبیح خداوند می‌باشد. البته از دشمنان شما می‌باشد، ولی از این و آن احوال وی را گرفتم؛ همه بر اجتناب او از محرمات الهی اتفاق دارند. امام علیه السلام بیان کرد که به خدا سوگند! اگر بنده‌ای از معمرین شود و بین رکن و مقام و قبر و منبر، هزار سال خدا را عبادت کند و سپس او را مظلوم و بی‌گناه در بسترش مانند گوسفند زاغ چشم سرببزند و خدا را با آن حال ملاقات نماید و دارای اعتقاد به ولایت ما نباشد، بر خدا روا باشد که او را با صورت در آتش دوزخ افکند.^۵

در گزارش دیگری جبرئیل پیامی ولایی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دهد و بعد از ابلاغ سلام خداوند بیان می‌کند که خدا فرموده است، اگر بنده‌ای از زمان خلقت آسمان‌ها و زمین‌ها مرا عبادت کند، ولی منکر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، او را به آتش می‌افکنم.^۶

۱. بقره: ۲۵۷.

۲. همان.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۳۷۶/۱.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۲۴/۲۸۶.

۵. صدوق، محمد بن علی، همان، ص ۲۱۰.

۶. برقی، احمد بن محمد، محاسن، ۹۰/۱.

ابوحزمه ثمالی در نقلی از امام صادق علیه السلام مخالفین اهل بیت علیهم السلام را مصداق آیه ﴿وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصَلِي نَارًا حَامِيَةً﴾ می‌شمرد.^۲

نکته مهمی که در برخی از گزارش‌ها دیده می‌شود این است که در نگاه خداوند، نماز و روزه و زنا و فواحش دشمن اهل بیت علیهم السلام یکسان می‌باشد و تأثیری در جایگاه چنین فردی نزد خداوند ندارد.^۳

در این گزارش‌ها واضح و مبرهن است که هیچ عمل و عبادتی در فضای غیرولایی پذیرفته نیست و تمام آنها کوششی بیهوده می‌باشد و نه تنها هیچ پیامد مثبتی برای عامل به آنها ندارد، بلکه تأثیری عکس می‌گذارد و عذاب و خذلان الهی را در پی دارد.

نتیجه‌گیری

نتایجی که می‌توان از این نوشتار اتخاذ کرد، به قرار ذیل می‌باشد:

الف: ولایت، باطن و حقیقت دینداری و عبودیت: باطن و حقیقت دینداری و عبودیت، قبول ولایت معصوم علیه السلام می‌باشد و اهل بیت عصمت و طهارت، ریشه و اصل تمامی خوبی‌ها می‌باشند و اعمال نیک از فروع ولایت ایشان است. هم‌چنین اولیای طاغوت، ریشه و اصل زشتی‌ها و پلیدی‌ها می‌باشند و گناه‌ها و زشتی‌ها از فروع درخت ولایت اولیای طاغوت است.

ب: ولایت اهل بیت علیهم السلام، دلیل و راهنمای عبادات: ولایت، دلیل و مفتاح عبادات دیگر می‌باشد و شخص ولی خدا نیز راهنمای عبادات است و اگر عملی به دلالت و راهنمایی او نباشد، بی‌فایده است و در اصل، عبودیتی صورت نگرفته است.

ج: ولایت، شرط پذیرش عبادات: اگر ولایت معصوم در میان نباشد، هیچ عمل و عبادتی پذیرفته و مقبول نیست و در اصل، کوششی بیهوده می‌باشد و نه تنها هیچ پیامد مثبتی برای عامل به آنها ندارد، بلکه تأثیری عکس می‌گذارد و عذاب و خذلان الهی را در پی دارد.

۱. غاشیه: ۲-۴.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۴۱۹/۲.

۳. صدوق، محمد بن علی، همان، ص ۲۱۰؛ بحرانی، هاشم، البرهان، ۶۴۳/۵.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول: مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول: مؤسسه بعثت، قم، ۱۳۷۴ ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، چاپ دوم: دار الکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱ ق.
- جعفری، محمدرضا، بحوث حول الامامة فی معنی الامام و الولی، چاپ اول: روشنائی مهر، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- جمعی از اصحاب ائمه علیهم السلام، الأصول الستة عشر، چاپ اول: دار الشبستری للمطبوعات، قم، ۱۳۶۳ ش.
- جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، چاپ اول: طباطبائی، قم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول: دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- صدوق، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- صدوق، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم: دار الشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ ق.
- صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، چاپ اول: کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ ش.
- صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول: جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
- صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، چاپ اول: دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۳ ق.
- صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، چاپ دوم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول: مؤسسه الاعلامی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ ق.

طبری آملی، عمادالدین محمد بن علی، بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، چاپ
دوم: المكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۳ ق.

فيومي، احمد بن محمد، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، چاپ دوم: مؤسسة
دار الهجرة، قم، ۱۴۱۴ ق.

قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، چاپ سوم: دار الكتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.

كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، چاپ چهارم: دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.

مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، چاپ دوم: دار إحياء التراث العربي،
بيروت، ۱۴۰۳ ق.

مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم:
دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ ق.

مطهری، مرتضى، مجموعه آثار، چاپ اول: صدرا، تهران، ۱۳۹۰ ش.

مطهری، مرتضى، یادداشت‌ها، چاپ اول: صدرا، تهران، ۱۳۹۱ ش.

مفيد، محمد بن محمد، الأمالي، چاپ اول: كنگره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.

ميرزای قمي، ابوالقاسم، جامع الشتات، چاپ اول: مؤسسه كيهان، تهران، ۱۴۱۳ ق.

هلالی، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالي، چاپ اول: الهادي، قم، ۱۴۰۵ ق.

jep.emamat.ir

۱۳۸